

سکس؛ جدایی مرد و زن ایرانی

سکس عامل فروپاشی زندگی مرد و زن ایرانی

سکس فرای توانایی جسمی در انجام «عمل جنسی» است. در جریان «رابطه جنسی» که نوع رضایت بخش آن موجب ارضای جنسی دو طرف می شود، دیگر نیازهای دو طرف هم ارضا می شوند. نیازهایی چون دوست داشته شدن، درک شدن، احساس امنیت و مورد قبول طرف مقابل واقع شدن.

بر اساس آمار سازمان ثبت احوال ایران، تعداد ازدواج های ثبت شده در چهار ماه نخست سال ۱۳۹۰ نسبت به مدت مشابه در سال گذشته تنها ۳ درصد افزایش یافته در حالی که تعداد طلاق های ثبت شده در این مدت نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۰ درصد بیشتر شده است؛ یعنی نرخ رشد طلاق در این مدت بیش از سه برابر نرخ رشد ازدواج بوده است.

آمار ارائه شده توسط مسئولان قوه قضائیه ایران هم از وجود ۱۲ هزار پرونده طلاق توافقی طی یک ماه در سراسر ایران خبر می دهد و این نوع طلاق را دومین موضوع پرونده های مدنی معرفی می کند. متقاضیان این نوع طلاق در هشتاد درصد موارد زنان هستند که ۴۰ درصد آنان در دوران عقد بسر می برند یا کمتر از سه سال سابقه زندگی مشترک دارند.

بسیاری از کارشناسان در ایران دلایلی چون عدم شناخت کافی زوج از یکدیگر، دخالت خانواده، توقعات نامعقول دو طرف از هم، عدم وفاداری، اعتیاد، مشکلات عاطفی، مشکلات اقتصادی، کوتاه بودن مدت آشنایی، تفاوت راه های آشنایی دو طرف و از همه بیشتر مشکلات جنسی را به عنوان عوامل مهم افزایش آمار طلاق بر شمرده اند.

برخی تحقیقات میدانی که در نقاط مختلف ایران انجام شده است، مسایل جنسی را مهمترین عامل طلاق آن دسته از زوج ها در ایران معرفی می کند که کمتر از پنج سال پس از ازدواج از هم جدا می شوند.

رابطه جنسی، فراتر از عمل جنسی

تجربیات و تحقیقات نشان می‌دهند که رابطه مستقیمی بین کیفیت «ارتباط عاطفی» و «ارتباط جنسی» انسان‌ها وجود دارد.

رابطه زناشویی سالم و همراه با تفاهم و احترام متقابل که در آن دو طرف بتوانند در مورد نیازهای عاطفی و جنسی خود به راحتی و بدون ترس از قضاوت شدن گفتگو کنند و از ملاک‌های ارزشی یکدیگر مطلع باشند، محیط مناسب و امنی برای دو طرف ایجاد می‌کند و می‌تواند بستر یک رابطه رضایت بخش جنسی شود.

طبیعت زن و مرد و انتظارات متفاوتشان، «رابطه جنسی» را از صرف «عمل جنسی» متمایز می‌کند.

«رابطه جنسی» فرای توانایی جسمی در انجام «عمل جنسی» است. در جریان «رابطه جنسی» که نوع رضایت بخش آن موجب ارضای جنسی دو طرف می‌شود، دیگر نیازهای دو طرف هم ارضا می‌شوند. نیازهایی چون دوست داشته شدن، درک شدن، احساس امنیت و مورد قبول طرف مقابل واقع شدن.

عدم آشنایی با خصوصیات و ویژگی‌های جنس مخالف عامل مهمی است که موجب مواجه شدن افراد با ناهمخوانی جنسی و عدم توانایی در برقراری یک رابطه جنسی رضایت بخش می‌شود.

ممکن است با استناد به همین عامل، بتوان تفاوت معنی داری که در زمینه علل طلاق بین ایران و کشورهای غربی وجود دارد را توضیح داد.

در کشورهای غربی هم مشکلات جنسی یکی از دلایل مهم طلاق به حساب می‌آید، اما همچون ایران در صدر فهرست علل قرار نمی‌گیرد. بیشتر آمارهای موجود، مشکلات ارتباطی، عدم احساس خوشبختی، عدم تفاهم و مشکلات مالی را پیش از مشکلات جنسی، به عنوان عامل طلاق در کشورهای غربی نشان می‌دهند.

ناتوانی جنسی مرد، سرد مزاجی زن

کارشناسان در ایران ناتوانی جنسی در مردان و سرد مزاجی در زنان را به عنوان رایج ترین مشکلات جنسی مطرح می‌کنند.

آمارهای جهانی هم نشان می‌دهند که از هر ده مرد در دنیا یکی از

ناتوانی یا عدم تحریک پذیری جنسی رنج می برد. با این حال بسیاری از این مردان در مورد این مشکل سکوت کرده و آن را به مدت طولانی از همسرشان مخفی نگاه داشته و حتی با پزشک خود نیز در میان نمی گذارند.

عدم آگاهی و اطلاع کافی موجب می شود که آنها از یک سو اهمیت مسئله را درک نکنند و از سوی دیگر از راه حل های نوین موجود برای حل آن بی بهره بمانند. شرایط اجتماعی جامعه و تصور غالب از «مردانگی» و انتظار بالا از «مرد»، می تواند به دو چندان شدن این معضل در کشوری مثل ایران بیانجامد.

همچون ناتوانی جنسی در مردان، سرد مزاجی زنان هم می تواند دلایل فیزیکی یا روانی داشته باشد.

فشار خون، بیماری قلبی، دیابت، مشکلات هورمونی و مصرف دارو از جمله عوامل فیزیکی هستند که می توانند به اختلالات جنسی منجر شوند. استرس، افسردگی، اضطراب، عدم اعتماد به نفس، سابقه آزار جنسی و تمایلات سرکوب شده همجنسگرایانه هم نمونه هایی از عوامل روحی و روانی تاثیرگذار بر اینگونه اختلالات به حساب می آیند.

رانش های جنسی، منبع احساس گناه

در کنار علت های گوناگون فیزیکی و روانی، نقش جامعه، الگوهای تربیتی و باورهای سنتی - مذهبی را هم در بروز مشکلات جنسی نباید نادیده گرفت.

پرورش در محیط خانوادگی که در آن والدین برای کنترل فرزندان یا بر اساس باورهایشان، مسایل جنسی را بد و قبیح جلوه می دهند، موجب می شود که رانش های جنسی نه تنها طبیعی پنداشته نشوند، بلکه به منبع احساس گناه بدل گردند.

آموزش جنسی به موقع و مناسب سن در جوامعی مثل ایران، اغلب قربانی نگاه دینی و سنتی شده است. همین نگاه در برخی از خانواده ها باعث شده سکس و رابطه جنسی نه تنها مضمئز کننده و زشت دانسته شود، بلکه سرکوب شده و طبیعتاً نقش خانواده هم در آموزش جنسی فراموش شود. شاید همین مجموعه شرایط است که موجب شده حتی فارسی سخن گفتن درباره مسایل جنسی - به جز جوک گویی - به سختی میسر شود. این فقر ادبیات جنسی، همراه با عدم آگاهی، باعث ضعف دو طرف در بیان نیازهای جنسی می شود که به نوبه خود بر کیفیت رابطه دو طرف تأثیر

کلاسهای مشاوره: تنها راه حل؟

بسیاری از کارشناسان در ایران بر اهمیت کلاس های مشاوره قبل از ازدواج و حتی در برخی موارد بعد از ازدواج تاکید می کنند. در این کلاس ها مسایل تنظیم خانواده و مشکلات زناشویی ناشی از اختلالات جنسی به طور خلاصه به زوج ها آموزش داده می شود. دولت ایران قصد دارد در آینده در کلاسهای بعد از ازدواج هم مشکلات عاطفی و مسایل زناشویی زوج ها را مورد توجه قرار دهد.

اما آیا تنها شرکت کردن در چند جلسه مشاوره قبل از ازدواج می تواند از بروز مشکلات جنسی جلوگیری و تداوم یک رابطه را تضمین کند؟ مشکلاتی که عموماً ناشی از بزرگ شدن در محیط های خانوادگی و اجتماعی هستند که در آن سکس به جای اینکه امکانی برای لذت جنسی دو طرف تلقی شود، تنها وسیله تولید مثل، وظیفه زناشویی یا راهی برای ارضای شهوات مردان است.

تجربه نشان می دهد که آشنایی با ویژگی ها و نیازهای روحی و فیزیکی جنس مخالف در چند جلسه میسر نمی شود. علاوه بر آن درک و برداشت غلط از مقوله سکس و در بعضی موارد فایق آمدن بر ترسهای درونی شده از رابطه جنسی، کار آسانی نیست. با توجه به پیچیدگی و شخصی بودن این مشکلات، به نظر نمی رسد که تنها با در اختیار گذاشتن اطلاعات عمومی در زمینه روابط زناشویی و تأکید بر جنبه تنظیم خانواده، بتوان به حل این مشکل کمک کرد.

قطعاً هر نوع آموزش به هر میزان برای پیشگیری یا کمک به حل بعضی از مشکلات زناشویی مفید است. اما نکته ای که نباید از یاد برد این است که آموزش، یک روند طولانی است و نخستین مدرسه ما در زندگی خانواده است. از همین رو شاید راه بنیادی تر برای حل مشکلاتی از این قبیل تلاش برای آموزش والدینی باشد که نخستین مربیان تربیتی افراد یک جامعه محسوب می شوند.

مشکلات جنسی به رغم آنکه در صدر عوامل طلاق معرفی شده اند نباید ما را از ابعاد دیگر این پدیده غافل کنند. ازدواج یک رابطه دوطرفه است و اغلب مشکلاتی که به طلاق منجر می شوند ریشه در ضعف یا عدم توانایی در برقراری یک رابطه سالم دارند. بخشی از مشکلات جنسی ناشی از مسایل روحی، می تواند بازتابی از اختلافات و عدم تفاهم در

زندگی زناشویی باشد. به همین دلیل است که آموزش روشهای برقراری ارتباط سالم در خلال کلاسهای قبل از ازدواج هم لازم به نظر می رسد.

منبع:bbc